روابط و مقالاتیکه با مسلك روزنامه موافقت کند پذیرفته ودرج خواهد شد

دوشیزه

۱۳۲۸

روزنامه ایست اخلاقی، عام خانه داری، بچه داری، شوهرداری، مفید بحال دختران و نسوان و بکلی از پلتیك و سیاست مملکتی سخن نمیراند

محل اداره طهران

خیابان علاء الدوله نمره ۲۴

صاحب امتیاز و مدیر

خانم دکتر کمال

عجالتا هفته یك نمره محتوی هشت صفحه

طبع و توزیع میشود

اعلانات صفحه اول سطری یك قران

صفحه اخیر ده شاهی

تاریخ دهم شهر رمضان المبارك سنه ۱۳۳۸

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۱۲ قران

سایر ولایات ۱۵ قران

بلاد خارجه ۷ فرانك

طهران تك نمره یك عباسی

سایر ولایات ۵ شاهی

اعلاناتی که بزبان های خارجه باشد

دو قسابل فرق میشود

پس از ارسال سه نمره ابدعان دریافت میشود

بسم الله الرحمن الرحیم

بر ارباب دانش و بینش مخفی نیست که خالق عقل و دانش و رازق کل افرینش تربیت نوع بشررا از پسر و دختر بعهده کفایت و قوه دوایت امهات نهاده و این موهبت را بطایفه نسوان داده زیرا تمام موالید از حین تولید تا قرب ده سال کسب اخلاق و تربیت از مادرها مینمایند و تقلید از حالات و اخلاق انها میکنند خاصه بنات که انها نیز در آتیه امهات هستند و هرگاه مادرها صاحب اخلاق رزیله باشند ناچار اولاد صاحب اخلاق حسنه نخواهند شد پس چه باید کرد که مادرها بتوانند ازعهده این خدمت بخوبی برآیند ؟

باید عالم شوند که فرموده‌اند (طلب العلم فریضة علی کل مومن و مومنه) یعنی تحصیل علم و دانش برهر مرد و زنی واجب است (اطلبوا العلم ولو بالصین) طلب کنید علم را اگرچه آن علم در چین باشد

معلوم است اسباب تحصیل علم ودانش برای اطفال مدارس است که امروز بحمدالله در این شهر پای‌تخت تا یک اندازه برای اطفال ذکور و اناث تهیه شده ولی تحصیل علم و دانش برای اکابر و اهل بیتش اسبابی بهتر از جراید نیست که در اوقات فراغت با حواس جمع بمطالعه ان مشغول گردیده از همه چیز دانا وعالم گردند

و برای اینکه بخانمهای محترمات وطن و مادرهای عزیز صاحب عائل و فنان تعلیم خانه‌داری و شوهر داری و بچه داری نمایم و بر دانش انها بیفزایم این کمینه خادم دکتر سیف میرزا محمد حکیم باشی جدید الاسلام این جریده موسوم به (دانش) را علی الحساب هفته یک نمره قدیم ارباب ذوق ودانش میسازم و برای تحصیل اخلاق حسنه خانمهای محترمه و غریب و قنن انها در هرنمره ترجمه بعضی رمانها یا مطایبات را مندرج مینمایم امیدوارم اقایان و خانمهای عزیز باین ناچیز مدد فرمایند که این خدمت‌را بخوبی بتوانم ازعهده برآمد وهیچ مدد و کمکی بهتر از تشویق نیست وهیچ تشویقی بهتر از این نیست که باین بضاعت مزجات مشتری شوند تا چندان ضرری که نتوان از عهده برامد بر این بی‌نوا تحمیل نشود

دیوقع مشترکین این جریده میتوانند بقصد خیر این روز نامه‌را بخرند ـ خانمهائیکه سواد خواندن ندارند بر اقایان محترم فرض است که این جریده را برای انها هرهفته بخوانند تا انها نیز از این فیض محروم نمانند بلکه همین معنی سبب شود که تحصیل سواد نیز بفرمایند

حفظ الصحه اطفال

خدمت خانمهای عزیز مادر ودایهای اطفال عرض میشود قدری توجه فرموده این دستور العمل را بدیده گوش فرمائید تا اطفال عزیز خودرا قوی بنیه و سالم المزاج عمل اورده همه روزه مبتلا بضعف مزاج و ناخوشی اطفال نباشید ومحتاج بطبیب چندان نگردید .

بچه‌ای ضعیف و بیمار اغلب بد خو و لجوج و کریه کن و قهر کن میشوند و نصف شب بیدار شده وکریه و زاری و بی قراری مینمایند ـ در خانه که چندین طفل باشد درمیان انها طفل مریض نباشد همه بخوبی و خوشی با یکدیگر بازی میکنند اسباب زحمت نمیشوند برخلاف اگریکنفر درمیان ان اطفال باشد که مزاجش علیل باشد در میان انها هزار قسم فتنه اغاز میکند و اسباب هزار قسم زحمت میشود چنین طفل را بطبیب نشان دادن و معالجه نمودن بهتر از کتک زدن است زیرا که کتک مزاج علیل او را سالم نخواهد نمود لکن دستور العمل طبیب اورا صحیح نموده خواهید دید که دیگر ازان طفل یکسی زحمت نخواهد رسید ـ این هم مسلم است که علم بچه داری را دریک روز نمیتوان اموخت .

تجربه گران بها است

خانمهای جوان تربیت کننده اطفال انهائیکه اول جوانی و عمرشان است باید کوشش نمایند که علم بچه داری را از خانمهای تجربه نموده بیاموزند ـ ان خانمهای تجربه کرده هریک از تجارب خودرا بهزار خون دل و بقیمت گران بدست اورده اند شما از انها بقیمت ارزان خواهید خرید لکن قدر ان تجاربرا خوب بدانید .

طریقه غذادادن اطفال

مادران و دایکان اطفال بدانند حفظ الصحه اطفال بسته بغذا دادن انهاست پس باید خیلی مواظب در غذای طفل بشوند ـ مثلا اغلب مادرها نیستند که گوش درد دندان درد سر درد وغش بچها از ضعف معده انها است شاید گمان میکنند بواسطه سوء هضم است اما غشوه اطفال بواسطه ترش شدن شیر در معده انهاست و بدانید که اعصاب شکم و عصبهای گوش و سر و دندان باهم ارتباط دارند این است که وقتی معده فاسد شد بگوش و سر و سایر اعضاء اثر مینماید ۰

(اغذیه مناسب لاطفال)

پس از ان که مطالب فوق معلوم شد برای خانمهای با عقل ودانش غذا دادن اطفال چندان اشکال ندارد و میتوانند از روی عقل و تجربه بفهمند که چه غذائی بطفلشان سازگار و کدام یك ناسازگار است چنانچه یك وقت چنین دیده شد که غذائی صبرا هر وقت بطفلی تا رسید بسن ده سالگی میدادند فریاد از درد گوش می نمود و اخر بواسطه خوردن ان غذا ان پسر کر شد اگر چه درابتداء برای زنهای بی تجربه این حکایات سبب تعجب وخنده میشد لیکن در اخر معلوم گردید که در اصل عصب گوش ان پسر ضعیف بود و ان غذا برایش ضرر داشت درصورتیکه بسایر اطفال همان غذا بی ضرر بود پس باید مادران و دایکان با عقل وهوش باین نکته ملتفت و مواظب باشند غذائیکه بطفل تا سازگار وناگوار است ندهند ـ صحت اطفال وقتی است که شکم انها بقاعده عمل نماید وقتیکه یبوست عارض طفل شود خیلی میگردد دراین صورت اینقدر را که یبوست دارند بهترین تدبیر ان است که داخل شیراو قدری ماء الشعیر نمایند و بعلاوه شیر دهنده نیز هر وقت اب میاشامد قدری ماء الشعیر داخل ان اب نماید زیرا که اب خالص دارای مواد لعن و اهك وکچ است و این هر سه تولید یبوست میکنند ـ برای اطفالی که ضعیف بنیه هستند و شکمشان عمل درست ندارد نه بد صحیح این است که بعد ازخوردن غذا یك مثقال روغن بادام بدهند واین عمل خیلی مفید است ۰

بچه را که از شیر باز میکنند باید هر عرض روز بتدریج سه استکان چای یا اب بدهند و اگر بیش از سه سال دارد پورتقال و کلابی رسیده و سایر میوه جات بدهند لیکن ان میوه را پوست وهسته که دارد تا مبادا پوست یا هسته ان را بخورد و هر روز صبح قبل از هر چیز یك فنجان قند اب خیلی مفید است

(باقی دارد)

اعلان

دواخانه مرکزی

مسیو شودین مسیو بوناطی

دواساز مخصوص اعلاحضرت همایونی

در خیابان ناصریه

طهران

اداره مخصوص بجهت تجزیه هرنوع ازاشیاء

و فروش عمده هرقسم از دوائیات و ابهای

معدنی و ادویه عکاسی و اسباب جراحی

و عطریات و سایر دواهای مخصوص

ایضا

مغازه هلیدی

طهران خیابان لاله زار

کلیه رو بنه و طوبهای اعلای ایران

و سایر لوازم زنانه از هرقبیل و لوازم مردانه

و بچه گانه یافت میشود

وماهوتهای ممتاز و پارچه های اطلس برای لباس

زنانه خوش یافت میشود ۰

ایضا

منازه نوطهور

طهران خیابان لاله زار

کارخانه خیاطی زنانه از هر قبیل

لباس بمد تازه دوخته میشود

مسیو جس دوس

◄ خطاب بدوشیزگان ►

ما ها گناه کار هستیم بس نباید در پی عیب جوئی وگناه دیگران باشیم

طعنه زدن : قهر کردن ، روی درهم کشیدن تمام اسباب دل شکستن است از این اخلاق پرهیز نمائید ! تمام ما ها گناهکار سخت هستیم لکن بعضی اشخاص گناهشان مخفی ودر ظاهر کم است وخداوند آگاه است لازم نیست که ما بدانیم یا که نمیتوانیم باید خودرا بی گناه نمائیم — پس باید با مردم خیر خواه باشیم و خوش روئی و خوش خلقی پیشه نمائیم — وقتیکه می بینید دختری لباس خوب در بر ندارد یا شخص بان دختر میفروشید اگر خدای نخواسته چنین باشد مقر آن است که سنگی را برداشته بطرف او بیندازید شما چه میدانید که سبب نپوشیدن لباس خوب چیست شاید پول خودرا بخیرات ومبرات خرج نموده وان خرج را بهتر از لباس فاخر پوشیدن دانسته یا آنکه شاید از مردم طلبکار بوده و نخواسته است بمحق طلب خود را وصول نماید چون سبب وجهت امرا ندانید بچشم حقارت باو منگرید و چنین فکر کنید که او اگر لباس فاخر پوشیده بود مخالفتم با سلیك میکردید

باید دختران خوب همیشه در پی دلجوئی مردم باشند اگر بیمار است از او عیادت نموده حوال پرسی کنند اگر فقیر است دستگیری نمایند و اگر محزون است و غمی دارد اورا مشغول نمایند دیگر لازم نیست بدختران عاقل جمیع وسائل دلجوئی را یادبدهیم یکی از صفات خوب وتمجید نمودن است درمقابل هرخوبی که مشاهده می نمائید زیرا که یك انفرین سبب تشویق او میشود ، و دلش خوشحال میکردد و بعداز این بیشتر سعی میکند که این کلمه را بشنود — همیشه درباره مردم خیال خوب بکنید وبدگمانی را از خود دور نمائید و همواره نوعی رفتار کنید که کل خیری وشادی از قلب شما بروید وهمیشه خوشحال باشید — همیشه خوشرو باشید زیرا که این حالت صدمات و زحمات را سبك مینماید گفته اند طوری زندگی کنید که وقتی برف حوادث بر سرتان می بارد کلهای خیری از قلبتان بروید یعنی همیشه بشاش باشید وعبوس نباشید — خوش خلقی سبب میشود که دوستان شخص زیاد میشود و درد ـ ها کم میکردد ◦ ◦

تسلیم مردم را خداوند برای فایده خلق فرموده بکذارید که عنایات الهی نزد ما ضایع نشود هیچ خداوند برای ما کران بهاء فرموده جان است ووقت این دو نعمت بزرك را نکذارید ضایع بشود وباید در قضایا از این دولعت خیلی فایده عایدما بشود باید طوری اعمال ما از صمیم قلب وی ریا باشند که وقتی مردیم مردم از فوت ما اسف بخورند ◦

تو جنان زی که چو مردی پرهی

نه چنان زی که چو مردی برهند

اکرما درد نیا بوظایف خود عمل نمائیم وکار نیك نکنیم دردنیا بکردش آسمان فانی حاصل نمیشود لکن در آخرت معلوم میشود که چقدر بد کرده ایم ما میتوانیم همه روزه بواسطه اخلاق حسنه از گناهان خودمان بکاهیم و میتوانیم بواسطه اخلاق رزیله بر گناهان خود بیفزائیم چقدر سعادت مند است کسیکه همیشه اخلاق حسنه تحصیل نماید وهردنیا و اخرت راحت باشد مکر لعین بالاتر ازخلق خوش دردنیا وجود دارد

(باقی دارد)

◄ خانه داری ►

خانمها باید اینانکته را خوب ملتفت بشوند که اینها نظیر وحافظ مال شوهر هستند که دروقع مال خودشان است تمام نیك بخت و سعادت خانه بسته بحسن کفایت ودانش خانم خانه است مرکاه خانم خانه لایالی، وبی کفایتی

باشند نمیتوانند سایر خدام دلسوزی نخواهند داشت — بندرت اتفاق می‌افتد که خانمها خبر از خانه داری و مراقبت بوضاع خانه کار دیگر داشته باشند پس باید خیلی اوقات شریف را مصروف نظام خانه داری ننمایند از جمله پسندیدن اشیائی است که وارد خانه میشود اگر خانم باین عمل اعتنا نکند نوکرها که میبخرد دقت نخواهد نمود همیشه اهل ان خانه دچار اشیاء وامقه بدخواهند بود وهمچنین در قیمت انها نیز باید خانم دقت نماید که مغبون نشود — خانم باید الت دست خدمت کار بشود یعنی خدمت کارها براو مسلط شوند اگرچنین شود ان خانه ازنظم وتربیت می‌افتد — البته نمیتوان بخانمهای محترمات تعلیم جزئیات خانه‌داری را آموخت اگن وقتیکه خانم اهل دانش باشد عقل خودش همه چیز را بایشان میدهد خاصه در صورتیکه تجربه هم بران مزید شود پس برذمه خانمهای مجرب است که نتیجه دوعلم وتجربه خانه داری آموخته اند بدیوانهای بی تجربه بیاموزند — خانمهای جوان در اول مرحله زندگی باشکالاتی برمیخورند ولکن بواسطه عقل و کیاست ودانش وفراست بخیلی زود رفع اشکالات میکنند وپس ازرفع اشکالات زندگی برای انها اسان میگردد — خانه‌داری محسن و وحشت زن ومحبت شوهر نیست بلکه فقط بسته بحسن کفایت وعقل ودرایت است زن درخانه یافرمانده است یافرمان بر فرمانده باید زمام امور خانه را بحکم در دست بگیرد کمحاجت بکار بردن نازیانه نشود وهرگاه زن بواسطه کاهلی یاجاهلی یعنی بواسطه لاابالی گری یانادانی زمام امور را از دست داد نمیتواند ان زمام بدست کفایت خواهد افتاد وشوهر نمیتواند محتاج کفایت میشود و خانم اززن تر میان میرود — خانم خانه‌دار زودتر از کفایت از خواب برخواسته مشغول تمیز میشود اگر کفایت مایل بخواب باشد شرم وخجالت اورا ازخواب برمیخیزاند وبر عکس هرگاه خانم دیر از خواب برخیزد کفایت دیرتر برمیخیزد مسلم است خانم وقتیکه صبح زود ازخواب برمی خیزد پس از نماز صبح بکاری که میکنند ترتیب آسایش شوهررا فراهم می‌اورد چای برای او حاضر میکنند مایحتاجات اورا ازاکل وشرب اوقات دریی تنظیف خانه واطاقها میرود و پس از ان به تهیه غذای نهار مشغول میشود و وقتیکه شوهرش میخواهد ازخانه بیرون برود درلباس او دقت میکند که پاك وپاکیزه باشد — خانم باید با کلفتها بخوش روئی برخورد نماید ایراد بی‌جا نکیرد ومخصوصا در غذای کفایت وتوکر دقت نماید زیراکه وقتی غذای انهارا بمیل انها وخوب دادانها هم دلسوزی در کارها خواهند نمود والا مکدر میشوند (بقیه دارد)

◄ رسم شوهر داری ►

یکی از خانمهای عاقله دنیا درموضوع فرق مطالبی نوشته که خیلی عاقلانه و حکیمانه است و ما محض خدمت به خواتین محترمات انها را بتدریج در این جریده منتشر می سازیم .

خانم میکوید هرگز وعده‌ئی که بشوهر میدهید خلف نکنید مگر با عذر موجه زیرا که خلف وعده موجب رنجش خاطر میشود .

دیگر اینکه همه روزه از شوهر پول نخواهید زیرا که پول حواستن سبب خفت خواهنده وازجاه قلب شوهر میشود برای مخارج لازمه خودتان ماهیانه قرار بگذارید که فقط ماهی یکدفعه مطالبه ازاو فرمایید ؟

مثلا اگر همه روزه بیك عنوانی از شوهر پول بخواهید یك روز باسم لباس خود و یك روز هم لباس بچها و یك روز برای جیز دیگر اوقات اگر یك روز چهارقد قشنگ سر کنید چون شوهر میداند که اکنون پول قیمت اورا خواهید خواست بان چهارقد نگاه نمیکند ولکن وقتیکه ماهیانه قرار دادید چون شوهر اطمینان دارد که زاید ازماهیانه ازاو نخواهید خواست هر وقت لباس نو بپوشید مورد توجه شوهر شده بخوبی اورا تماشا خواهد نمود دیگر میگوید بعضی خانم هارا سراغ دارم که اولاد را بیش ازشوهر دوست میدارند و اغلب در درستی اولاد بشوهر جدال میکنند و این خیط عظیم است و دلیل طبیعی ندارد زیرا که اول شوهر است دوم اولاد تا شوهر نباشد اولاد حاصل نخواهد شد پس نمیتواند شوهررا بیش ازاولاد دوست داشت مثلی است مشهور اول اب بود بعد از ان دندان آمد .

خانم معزی الیها میکوید هیچوقت نزد کسی ازشوهر

بدکونی نکنید خانه نزد قوم وخویشها زیرا تجربه معلوم کردیده که اگر از شوهر گله حاصل شده وقتیکه درد دل نکاهد اشق ویکسی مذاکره نشودی بعد ازیکهفته ترتیبی پیش میاید که بکلی رفع ان شکایت میشود و از دل بیرون میرود و فراموش میکردد لکن وقتی بکسی اظهار کردی ان شخص نمیکذارد ان شکایت فراموش شود و از میان برود ـ بعلاوه وقتی که شکایت شوهر را بمردم کنی ناچار پکوش شوهر میرسد و از شما مکدر خواهد شد ـ لکن از خواص مرد است که شکایات خودش را از زن علی الفوه بکسی اظهار نمیکند .

خانم میکوید زن باید اقوام شوهر را بیشتر مهمان نموده و بهتر از اقوام خودش انها را پذیرائی نماید زیرا که مرد از این مطلب خوشحال میشود .

خانم محترمه میکوید درتربیات راحتی شوهر مواظب باشید مثلا غذای او را بوقت حاضر نمائید و درزمستان کرسی یا بخاری اورا کرم و حاضر بدارید اطاق را پاك و تمیز نکاهدارید کلیه طوری باشد که وقتی مرد وارد خانه میشود از هر جهه راحت باشد وطوری اسباب راحت خود را در خانه خود به بیند که با کله مبسل و رقبت وارد خانه بشود نه اینکه پس از ورود پکی پکی مطالبه اسباب راحت خود را به نماید مثلا او بکوید انش بیاورید یاهار بیاورید یا شام بیاورید در این صورت از ورود در خانه راضی نخواهد بود .

خانم مشار الیها میکوید شما اکر از جائی دلتنکی دارید وقتیکه شوهر وارد خانه شد با روی کشاده او را استقبال نموده تعارفات رسمانه را بجا بیاورید و ان اوقات تلخی را پنهان نمائید مبادا مرد بیچاره هم ازجای دیکر اوقاتش تلخ باشد وقتیکه خانه امد بر اوقات تلخی او بیفزاید و حال انکه باید رفع اوقات تلخی از او بشود میکوید خانم نجیبه محترمه اکر سواد ندارد باید فورا در پی تحصیل سواد برآید و درس بخواند زیرا که زن بی سواد صاحب عقل وتمیز نخواهدشد واکرسوادندارد باید بیشتراوقات خویش را مصروف روزنامه خواندن نماید بجهت اینکه کسیکه روزنامه میخواند همه چیز میداند .

میفرمایداکر ازشوهر کاری دیدی که یا حقیقتا غلط است ویا بعقیده شما غلط است بروی خود نیاورید و ایراد باو نکیرید زیرا از ان ایراد شوهر مکدر شده باکسب میشود که بعد از این کارهای خودش را ازشما پنهان میکند و شما از کار های او بی اطلاع خواهید شد

(بقیه دارد)

﴿ فواید نور افتاب عالم تاب ﴾

لازم شد از فواید نور عالمتاب افتاب که مساعت ما ساکنین ارض حاصل میکردد شمه بیان نمائیم تا مطالعه کنندکان محترم شکر این نعمت بزرك الهی را بجا بیاورند و بدانند که تقریبا همه چیز ما بسته باین نور است صحت ، حیات ، فرح ، تمام از اثر پرتو این نور خدا داده است . فوایدی که باشجار و نباتات وانملو میدهد برهمه واضح و مشهود است که جلوه شاخ وبرك درختان خودرا به پرتو ان نور حیات بخش میکشانند

واما فایده و منفعت او بابدان انسان نیز بدرجه ایست که ما فوق از متصور نیست چنانچه تجربه معلوم کرده ایم که محبوسین همین قدر که چند صباحی از تابش این نور بر ابدانشان محروم میمانند مزاجشان ضعیف و بلکه عنیل میشوند

جای افسوس است که هنوز قدر این نعمت خداداد را ندانسته ایم چنانچه اکر از روزنه اطاق افتاب بداخل اطاق بتابد فورا بواسطه بستن در یا اویختن پرده اورا منع مینمائیم تا مبادا فرشهای ما بواسطه تابیدن افتاب ازرنك و رو بیفتد و نمیدانیم که میکروبهای مضر حفظ صحت بواسطه افتاب کشته میشوند و اطاقیکه در او افتاب بتابد ازان جانورها محفوظ میمانند دراین اواخر دکترهای بزرك کشف نموده اند که یکی ازمعالجات مرض سل نشستن در افتاب است همین قسم که افتاب درصحت مزاج مدخلیت دارد دراخلاق انسان نیز تاثیر مینماید چنانچه تجربه معلوم کردیده اشخاصی که در عمارات مشرقی نشو و نما میکنند بشاش تر و خوش خلق تر هستند از انهائیکه در اطاقهای مغرب و در شهر های کم نور زندکانی مینمایند البته همه کس خوب مطلعند هستند که درهوای صاف انسان خوشحال تر از هوای تیره و ابر است چرا بواسطه همین که درهوای

ابر از اشعه افتاب محروم هستیم پس این است که گفتم خیلی مشوریم - پس باید بعداز این مواظبت نمائید تاقدری ازاشعه افتاب برادر اطاق مسکونی خودتان داخل فرمائید که نفع کثیر دارد هرگاه افتاب بزمین نتابد تمام ساکنین ان تلف خواهند شد

انسان نباید خودرا ازهوای تازه محفوظ نماید چنانچه متنوی میفرماید

گفت پیغمبر باصحاب کبار تن مپوشانید زباد بهار

کانچه یارك درختان میکند باتن و جان شمامان میکند

و مخصوصا درفصل زمستان لازم است که درهای اطاق مسکونی را هرروز یکدفعه باز نمایند تاهوای تازه وارد اطاق بشود و درواقع هوای کثیف شده اطاق خارج بشود و این عمل برای حفظ صحت خیلی مفیداست

﴿ملکه وپنجره های سحری﴾

درویکی ازشهرهائیکه واقع است دربشت کوه قاف شاهزاده خانمی بود درحسن و وجاهت بی نظیر فرمان داد تامام حصارهای شهررا جمع نموده قصری بنا کردند که بر تمام ان شهر مشرف بود و دوازده پنجره برآن تعبیه نمود که انچه درشهر بود ازمنظر ان پنجرها مخفی نمیشد و درواقع این یکنوع سحری بود و برای هر یك ازان پنجرها درجه قرار داده بود که اگر چیزی ازپنجره اول مرئی نمیشد ناچار ازپنجره دویم دیده و هرگاه ازتمام ان پنجرها دیده نمیشد لاعحاله ازپنجره دوازدهم میدید و امکان نداشت که چیزی دران شهر یافت شود و بردیده‌بان از پنجره‌ها مخفی باشد - این شاهزاده خانم شوهر اختیار نمیکرد زیرا که میخواست هیچکس بسلطنت اوشریك نباشد و ضمنا اعلان نموده که هرکس بتواند خودرا دراین شهر مخفی نماید که من اورا نبینم ان شخص قابل زوجیت من است (چون مسلماست امکان ندارد) و هرگاه کسی داوطلب میشد و ازعهده برنمی‌امد سر اورا بریده بحصارهائیکه در اطراف قصر تعبیه نموده بود می‌اویخت - ازقضا چند نفر محترمین ان شهر داوطلب گردیده و چون از عهده نتوانستند برامد سرشان حصاره اویخته گردیده و بعدازان کسی را یارای این اقدام نشد و مدتها گذشت که هیچکس جرات خواستاری ملکه ننمود پس از چندی سه برادر که اطمینان بطراری و عیاری خود داشتند داوطلب گردیده امدند و عرض کردند ما میتوانیم خودرا ازمنظر ملکه پنهان کنیم ملکه مالها شرط کرد که اگر نتوانستند سر انهارا بریده بحصاره بیاویزد ان بیچاره قبول کرد یکی ازانها خودرا در چاه بسیار عمیقی پنهان نمود ملکه اورا ازپنجره دید حکم کرد که ان شخص‌را ازچاه دراورده سرشرا بریده بحصاره اویختند - یکی دیگر خودرا درزیر زمین همان قصر پنهان نموده ببرادر بزرك خود ملحق شد برادر سیم که این طور دید و ازان دو برادر داهیه‌تر و زیرك‌تر بود بحضور ملکه امده بخاك افتاد و استدعا نمود که اولا سه روز باو مهلت مرحمت بشود و بعداز سه روز پنهان شود تا سه نوبت در نوبت اول و دویم ملکه اورا نکشته و درنوبت سیم مختار باشد ملکه اقای مشارالیه اورا قبول نموده جوان سرخص شده بخیال صید و شکار افتاده تفنك خودرا برداشته رفت درمیان جنگل کلاغی‌را دیدخواست هدف گلوله نماید کلاغ فریادکشید که‌ای‌جوان ازخون‌من دوکذر که‌وقتی‌حاجت‌ورا بر اورم جوان قبول‌کرده ازاو گذشت رفت بر لب دریاچه ماهی بزرکی را دیده خواست او را هدف‌تفنك نماید ماهی نیز مثل کلاغ همان حرف را گفت جوان از او هم گذشته برو باهی بر خورد خواست او را صید نماید روباهم همین حرف را زده از او نیز درگذشته بمنزل با دست خالی مراجعت نموده تا روزی که وقت مخفی شدن او شد رفت در جنگل بکلاغ بر خورد ماجرارا بیان نمود کلاغ پس ازقدری تامل گفت همین جا تامل کنید تا من بیایم پس از ساعتی کلاغ تخمی در منقار وارد شده تخم را ازمیان دونا کرده جوان‌را امر نموده که‌در میان ان تخم رود چون جوان داخل ان تخم شد کلاغ سررا هم اورده بر داشته و به لانه خود برده پنهان نمود ملکه از پنجره جوان را دیده فرستاده تا کلاغ را کشته تخم را بحضورش اوردند ملکه امر نمود تاتخم را ازهم باز نموده جوان رابیرون اورده ملکه قاه‌قاه خندیده بجوان فرموده تورا بحسب وعده این دفعه بخشیدم لکن سعی کن تادر دفعه آتیه خودت را بهتراز اینها پنهان کنی جوان‌سرخجالت‌زیر انجیکنده رفت روز دیکر بقصد پنهان شدن ازخانه بیرون

امده حیران و سرگردان میرفت تا لب دریاچه رسید. ان ماهی بزرگ راملاقات نمود ماهی چون جوانرا حیران دید سبب پرسید جوان ماجرارا بیان کرد ماهی گفت چاره جزاین نیست کهمن تورا ببلعم وبه‌لك دریاچه روم جوان راضی شده ماهی چنان کرد که گفته بود ملکه از هریك ازان پنجرها نگاه کرد جوان را میافت تاچهار نزدیك پنجره دوازدهم رفته جوان راهر شکم ماهی دید فرستاده ماهی را صید نموده اوردند شکمش را بازکرده جوان را بیرون اورد وگفت ای‌جوان باخبر باش که در دفعه سیم اگر همین قسم ها پنهان بشوی سرت زیب قفا خواهد شد جوان از غایت خجالت جواب نگفته رفت چون روز دیگر شد بازخیال پنهان شدن باخطر پریشان میرفت که ناگاه روبله را ملاقات نموده شکایت را بانبیان نموده روبله پس از اندکی فکر و تامل گفت بهمراه من بیا جوان همراه روبله رفته تا لب چشمه رسیدند روبله فورا بان چشمه غوطه ور شده وقتیکه بیرون امد بصورت انسانی شده بود بجوان گفت تونیز در میان اب برو جوان درمیان اب فرورفته وقتیکه بیرون امد خود را بشکل بوزینه دید روبله اورا برداشته بنزدیك قصر رفت ملکه چون دید شخصی می اید و بوزینه همراه داره فرستاد و ان بوزینه را خرید روبله اهسته بوزینه گفت هروقت ملکه میخواهد بهپنجره‌ها نگاه بکند توهورا دوزیر گیسوهای ملکه پنهان بشو که تورا نخواهد دید جوان به این دستور عمل کرده ملکه‌هروقت پشت پنجره میرفت جوان درگیسوی او پنهان میشد از پنجره‌اول ودوم وسوم الی دوازدهم ملکه هر چند نظر نمود جوان را نیافت ازغیظ پنجره را شکسته بوزینه را از خود دور نمود بوزینه رفت تا خودرا بروبله رسانید روبله اورا برده کنار چشمه دوبره درب هردوغوطه‌ور شدند وهردو بشکل اولیه خود عودت نمودند جوان امد بخدمت ملکه ملکه ازو اورا بشوهری خود اختیار نمود جوان پذیرفته ان شهر و مملکت گردید و هیچوقت جوان این مطلب را بملکه بروز نداد کهچه وقت جنده پنهان شده او خیال کنند که فقط موانست عقل وتدبیر خود انبوده به اینکه اروبله تعلیم گرفته بشده

(مطایبات)

جوانی بدکان سمساری بهودی رفته شلوار بخرد سمسار چند قوپ شلوار اورده که‌می‌کدام‌رامیخواهی بردار جوان یکی از انها را برداشته پوشیده گفت حیف که کم رنك است سمسار گفت اینجا زیر سقف است از این است که بنظر این شلوار کم رنك می اید برو نزدیك روشنائی انوقت نظر کن ببین تا چه اندازه پر رنك است جوان نزدیك روشنائی رفته فرار کرد سمسار بنای داد و فریاد را گذارده که قاضی دزد را بگیرید پلیس خبر شده قفنك برای جوان گذید سمسار دست پلیس را گرفته که می ترسم کلوله بپایش بخورد و شلوار من سوراخ شود .

﴿ ایضا ﴾

نصف شب ضفلی درب‌خانه نجاری را کوبیده فریادکرد که ای استاد تو را بخدا زود ابزارت را بر داشته بخانه ما بیا نجار از خواب پریده لمد دم در گفت پسر نجار برای چه میخواهی گفت پدرم یك تخت خواب خریده که تا میشود امشب رفت که روی تخت بخوابد تخت تا شده پدرم میان ان مانده نمیتواند بیرون بیاید

﴿ ایضا ﴾

شخصی دو تك قرای بنوکرش داد که یکی را قلن بکرد ودیگری را قند نوکر انرا رفت بازار و مراجعت نموده ازاقایش پرسید که کدام یك از این دو تك قران مال ان است و کدام یکی مال قند

﴿ ایضا ﴾

در فصل زمستان کل زیادی کنار کوچه جمع شده بود یکی از رهگذران کوچه اعلانی بدیوار چسبانید که ضفلی هشت ساله گم شده وان را میان این کلها دیده اند که تا سبته فرو رفته بود هر کس ان طفل را پیدا کند من بیصد تومان بو میدهم مردم از بس میان این کلها برای پیدا کردن این طفل گردیدند کلها برداشته شد

﴿ ایضا ﴾

شخصی در رود خانه غرق شد رفیقش خواست قسمی بجیال‌اه خبر بدهد که‌هوا تاریك کاغذی نوشت که حاتم امشب شوهر شما بخانه نخواهد امد پری یکایه سوایش در رود خانه غرق شده و خودش نیز در میان ان لباسها بود

﴿ خانم دکتر کحال ﴾
﴿ طهران مطبعه شرق ﴾